

ناز و گل

برای دخترانم گلناز و طنناز

شکوه خنده گلناز و اخم طنناز است
پر از ترانه و بانگ نی و دف و ساز است
ز حقد هر گل سوری غمین و غماز است
که جان به بودنشان با نشاط دمساز است
که روح خسته بدین لعبتان سر افراز است
دل رمیده من با غرور سر باز است
ز اشتیاق دلم گرم شور و آواز است

اگر به باغ دلم بلبلی خوش آواز است
فضای خانه چو آیند از برون به درون
به بوستان نکم وصف رویشان که به شاخ
امید زندگی من همین گلان مننند
دگر به سینه مرا شوق آرزویی نیست
به پیش مقدمشان هر زمان اراده کنند
چو شاد بینمشان گرد خویش خرم و مست

رضا شاپوریان

دوشنبه ۲۳ نوامبر ۱۹۹۸